

بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی شیعه با محوریت ایران و تاثیر آن بر جایگاه سیاسی شیعیان غرب آسیا

سجاد کمری^۱

عزت الله عزتی^۲

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۳۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۲۸

چکیده

محیط امنیتی هر جامعه‌ای، تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی و محیط خارجی آن است؛ بر این اساس، محیط امنیتی ایران به اقتضای طبیعت و هویت انقلابی - ایدئولوژیکی‌اش و از جهت تاریخی، فرهنگی و قومی به سبب موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی‌اش محیطی آسیب‌پذیر و مستعد بحران است. بر این اساس این پژوهش در نظر دارد ضمن نقد رویکردهای سنتی ژئوپلیتیکی به طرح نظری مفهوم «ژئوپلیتیک انتقادی شیعه» و «گفتمان مبتنی بر فضای مقاومتی» بپردازد. این مقاله از روش تحقیق توصیفی استفاده کرده و در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته و در قالب مدلی تحلیلی (فرضی - قیاسی) انجام شده است. با توجه به نتایج تحقیق به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران با توجه به ضعف ژئوپلیتیکی شیعیان در سایر کشورهای منطقه، نیازمند یک همگرایی با محوریت سایر مشترکات فی‌مابین از جمله مسائل فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی است تا بتواند با پوشش این ضعف در بلندمدت در سایه دیگر مؤلفه‌ها به ارتقاء جایگاه شیعیان در کشورهای منطقه کمک کند تا بتواند در آینده از جایگاه ژئوپلیتیکی تقویت‌شده آن‌ها در منطقه بهره‌مند شود.

کلید واژه‌ها

ژئوپلیتیک، شیعه، موقعیت سیاسی، امنیت ملی

dr.geopolitic@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: استادیار مؤسسه آموزش عالی هگمتانه

۲. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

موقعیت خاص ایران همواره بستر مناسبی برای ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی و به‌مخاطره افتادن امنیت ملی آن فراهم آورده است. در گذشته ژئوپلیتیک ایران به سبب عواملی مانند منابع خام یا موقعیت گذرگاهی مورد توجه قرار می‌گرفت؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، ایران که یکی از متحدان آمریکا و غرب در منطقه بود، به نیرومندترین دشمن آن‌ها در منطقه تبدیل شد و منافع آن‌ها را آماج حملات تبلیغی خود قرار داد؛ از این رو، غرب از جانب ابعاد جدیدی از ژئوپلیتیک ایران احساس خطر می‌کند؛ یکی از این موارد مسئله «ژئوپلیتیک شیعه» است.

غربی‌ها، انقلاب اسلامی را انقلابی شیعی می‌دانند و از ایدئولوژی شیعه که به نظر آن‌ها یک ایدئولوژی انقلابی است، می‌ترسند. از نظر غربی‌ها، سکونت بیشتر شیعیان در مناطق حساس ژئوپلیتیکی و ایدئولوژی انقلابی آنان، منافع غرب را در منطقه به خطر می‌اندازد؛ به‌همین دلیل غربی‌ها همواره از پیامدهای منطقه‌ای انقلاب اسلامی بیم داشته و درصدد برآمده‌اند ایران را، به عنوان کشوری که در قلب ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد، کنترل کنند.

از طرفی به نظر می‌رسد که عنصر شیعه به سبب اینکه از قدرت تأثیرگذاری بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است، برای غرب دارای اهمیت است؛ از این رو غرب برای مهار ژئوپلیتیک شیعه، طرح «خاورمیانه جدید» را مطرح کرد؛ آنان در این طرح به دنبال تغییر زیرساخت‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و دینی منطقه هستند؛ این روند، امنیت ملی ایران را در منطقه به مخاطره می‌اندازد؛ چون ایران در قلب ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد و تغییر و تحول در هر یک از کشورهای این حوزه، پیامدهای امنیتی برای ایران به همراه خواهد داشت.

با توجه به آنچه مطرح شد، هدف ما در این مقاله پاسخ به این پرسش است که "با توجه به حساسیت غرب نسبت به ژئوپلیتیک شیعه و جایگاه ایران در این حوزه ژئوپلیتیکی، این مسئله تا چه اندازه برای امنیت ایران بحران‌زاست؟"

فرضیه‌ای که مورد آزمون قرار می‌گیرد، این است: "با توجه به رابطه مذهب و جغرافیا در حوزه ژئوپلیتیک شیعه که غرب مطرح می‌کند و با توجه به اینکه ایران در قلب این حوزه

ژئوپلیتیک قرار دارد و سایر کشورهای واقع در این حوزه ایران را احاطه کرده‌اند، هرگونه نفوذ قدرت‌های خارجی در این کشورها به ضرر امنیت ملی ایران است" و پرداختن به این موضوع می‌تواند اهمیت مخاطرات و راهکارهای پیشروی جمهوری اسلامی ایران را در مناسبات ژئوپلیتیکی منطقه با محوریت شیعیان مشخص نماید؛ چراکه برخلاف ایران که شیعیان اکثریت غالب جمعیت آن را تشکیل می‌دهند و تحت لوای یک حکومت اسلامی - شیعی هستند در سایر کشورهای این حوزه، شیعیان در اقلیت و یا اقلیت نسبی و در برخی دیگر همانند بحرین با وجود اکثریت از لحاظ حاکمیتی در سیطره حکومت‌های سنی هستند و این حکومت‌ها به دلیل عدم مشروعیت داخلی، اکثراً به قدرت‌های خارجی وابسته هستند و همین امر، زمینه را برای کنترل نیروی پرنفوذ فرامنطقه‌ای ژئوپلیتیک شیعه با محوریت ایران فراهم می‌کند و به انزوای ایران در منطقه می‌انجامد.

تشیع در ابعاد بین‌المللی

مطالعه و بررسی ابعاد فضایی و نقش‌آفرینی بین‌المللی تشیع یا به عبارتی جغرافیا در ژئوپلیتیک شیعه و به طور کلی بررسی وضعیت شیعیان و قلمروهای اسلامی و شیعی بدون تردید برای محافل علمی و دانشگاهی و حوزه‌های ما از اهمیت بالایی برخوردار است و مسئله‌ای که در چند دهه گذشته مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران خارجی عمدتاً غربی قرار گرفته ولی از دایره محققین داخلی کشور مورد غفلت واقع شده است؛ متأسفانه در اثر این غفلت و بی‌توجهی، شیعیان به عنوان یک پدیده دارای بعد فضایی و جغرافیایی، موضوع مطالعه دیگران شدند و چه بسا تصویری که از نتایج مطالعات آنان از شیعه ارائه می‌شود منبع آگاهی ما از شیعیان نیز قرار می‌گیرد؛ این در حالی است که تشیع مانند هر پدیده دیگری دارای ابعاد متعددی است که هر بعد آن می‌تواند موضوع مطالعه یکی از رشته‌های علمی در کشور قرار گیرد.

یکی از ابعاد پدیده ژئوپلیتیک، بعد جغرافیایی آن است که باید توسط متخصصین جغرافیایی مورد مطالعه قرار گیرد؛ توجه بیشتر به این موضوع زمانی مشخص می‌شود که دقت کنیم دین اسلام و مذهب تشیع در دهه‌های پایانی قرن بیستم ماهیت سیاسی پیدا کرد و

سرشت سیاسی آن مشخص شد. اکنون پدیده شیعه با برخورداری از جغرافیای منسجم، پتانسیل‌های محیطی، جمعیت قابل توجه و از همه مهم‌تر اندیشه سیاسی پویا در مناسبات قدرت نقش‌آفرینی می‌کند و در ساختار قدرت‌های منطقه و جهانی اثرگذار است. روشن است که سیاسی شدن شیعه در دنیا و برخورداری تشیع از موقعیت ژئوپلیتیک در چارچوب انقلاب اسلامی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رخدادهای نیمه قرن بیستم معنا پیدا کرد؛ چراکه انقلاب ایران یک انقلاب شیعی بود و دغدغه تمام مسلمانان و مستضعفان جهان و آزادی‌خواهان جهان را داشت که به طور طبیعی قلمروهای شیعی بیشتر تحت تأثیر آن قرار گرفتند و نسبت به آن واکنش نشان دادند.

عوامل تأثیرگذار بر موقعیت ژئوپلیتیکی

عوامل ثابت عبارت‌اند از: موقعیت جغرافیایی، شکل جغرافیایی، فضا و تقسیمات آن، وسعت خاک، توپوگرافی و شکل کشور (به نظر می‌رسد این عوامل همان متغیرهای مطرح در نظریات کلاسیک ژئوپلیتیک هستند). عوامل متغیر عبارت‌اند از: جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی و اجتماعی.

عامل اصلی در گروه عوامل ثابت، موقعیت جغرافیایی است و در گروه عوامل متغیر، کانون تغییرات، انسان است.

به عقیده عزتی، توجه به عوامل فرهنگی و اعتقادی در امر ژئوپلیتیک، حیطه‌های دیگری از هم‌نشینی جغرافیایی را مطرح می‌کند؛ وی با تأکید بر تأثیر عوامل فرهنگی در ژئوپلیتیک و پیوستگی این دو بحث، ژئوپلیتیک اسلام را مطرح می‌کند. نگارنده نیز سعی می‌کند در چنین چارچوبی، ژئوپلیتیک شیعه را بررسی نماید.

پیش از انقلاب اسلامی ایران، اسلام تنها یک ایدئولوژی مذهبی محسوب می‌شد. انقلاب اسلامی ایران جنبه‌های بالقوه سیاسی آن را به فعل درآورد و تفکر شیعی با انجام ساختاری خود در ایران، نشان داد که توانایی به ظهور رساندن یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های تاریخ را دارد؛ این توانایی باعث شد که بسیاری از نهضت‌های آزادی‌بخش، به‌ویژه در آسیا و آفریقا،

توجه خود را به ایران و ایدئولوژی اسلام معطوف کنند؛ این توجه در کشورهایی که از اکثریت مسلمان برخوردار بودند، شدت بیشتری یافت و به گرایشی قوی تبدیل شد.

توجه جنبش‌های آزادی‌بخش و کشورها و شخصیت‌های اسلامی به نقش اسلام در صحنه سیاست بین‌الملل، باعث شد که ژئوپلیتیک کشورهایی که از جمعیت با اکثریت مسلمان برخوردار بودند، در نگرشی مجدد ارزیابی شود؛ این امر در آنجا اهمیتی خاص می‌یافت که پیوستگی جغرافیایی و جایگاه خاص این حیطه از جهان، به لحاظ دسترسی به عظیم‌ترین منابع نفتی، خودنمایی می‌کرد و پدیده‌ای به نام جهان اسلام را مطرح می‌ساخت.

به این ترتیب طرح دیدگاه‌های جدید ژئوپلیتیکی و پیوند بین این دیدگاه‌ها با گرایش‌های فرهنگی، نقش جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مرکز جهان اسلام در دنیا و قدرت و پایداری انقلاب اسلامی، این اندیشه و نظر را به وجود آورد که باید به ایدئولوژی‌های مذهبی و دیگر پارامترهای فرهنگی، در حکم پارامترهای مهم در پیدایش ویژگی‌های ژئوپلیتیکی توجه کرد و به توانایی‌های این پارامترها در به فعل درآوردن یا توانایی‌های عملیاتی آنها نیز نظر داشت؛ وقوع انقلاب اسلامی ثابت کرد که این توانایی‌ها بیش از هر چیز از خصوصیت ذاتی تفکر تشیع و وجود اصل ولایت‌فقیه در آن ناشی می‌شود. تفکر و اصل اجتهاد مستمر و ولایت در آیین شیعه، موجب پویایی و انطباق فعال ایدئولوژی اسلامی با تحولات و تغییرات روز می‌شود.

با توجه به نظرات عزتی می‌توان گفت در شرایط کنونی بین‌المللی و در ساختار نوین نظام بین‌الملل، دیگر نمی‌توان تنها با تأکید بر متغیرهای مطرح در نظریات کلاسیک، امنیت را برای کشورها به ارمغان آورد و رهیافت سنتی از امنیت که در آن تمرکز تقریباً انحصاری بر عوامل نظامی و خارجی است، به تدریج قابلیت تحلیلی و کاربردی خود را در بررسی‌های امنیتی از دست می‌دهد و ابعاد جدیدی وارد نگرانی‌های امنیتی می‌شود و اهمیت یافتن ابعاد فرهنگی و اعتقادی در امر ژئوپلیتیک که به آن اشاره شد، زوایای جدیدی را در بحث امنیت ملی ایران نشان می‌دهد.

در حال حاضر یکی از مهم‌ترین جنبه‌های ژئوپلیتیکی ایران که حساسیت غرب را برانگیخته است، ترکیب شدن عوامل فرهنگی و اعتقادی با دسترسی به منابع عظیم انرژی و

موقعیت‌های حساس ژئوپلیتیکی و استراتژیکی است که همواره به صورت شمشیری دو دم برای امنیت ملی ایران عمل می‌کند.

اگر بپذیریم که گسترش ارتباطات و اطلاعات در سطح جهانی، منجر به پیوند هر چه بیشتر و نزدیک‌تر جوامع انسانی به یکدیگر شده و تقسیم پیچیده‌تر و بیشتر کار اجتماعی، ارتباط و تداخل حوزه‌ها و نظام‌های اجتماعی در یکدیگر را افزایش داده است، به نظر می‌رسد که امنیت ملی از دو بُعد باید مورد توجه قرار گیرد:

بُعد نخست، نظم و ثبات جهانی است؛ به این معنا که هرگونه بی‌نظمی و بی‌ثباتی سیاسی در جهان، به‌ویژه در حوزه راهبردی جامعه مورد نظر، به بی‌ثباتی سیاسی و تهدید امنیت ملی آن جامعه منجر می‌شود؛

بُعد دوم، نقش و اهمیت عوامل مختلف داخلی در تضمین و تأمین امنیت ملی و ثبات سیاسی جامعه است؛

امنیت ملی ایران نیز به عنوان کشوری که در قلب ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد، در قالب این دو بُعد امنیتی قابل تحلیل است.

نحوه تأثیر ژئوپلیتیک بر اندیشه سیاسی شیعیان

جغرافیای سیاسی، شاخه‌ای از علم جغرافیاست که درباره پدیده‌های سیاسی در فضای جغرافیایی یک کشور بحث می‌کند. (Scruton, 2007: 509) در حال حاضر تحولاتی که در سیاست جهان روی داده، سبب تنوع بیشتر مباحث ژئوپلیتیک شده است و این شاخه از جغرافیای سیاسی، درباره مفاهیم تازه و متنوعی بحث می‌کند. عوامل ژئوپلیتیک می‌تواند تأثیرات مختلفی در عرصه نظری و اندیشه‌ای از جمله اندیشه سیاسی بر جای گذارد؛ زیرا اندیشه سیاسی از یکسو متأثر از عوامل نظری و ذهنی و از سوی دیگر، تحت تأثیر عوامل عینی قرار دارد؛ در واقع باید گفت: اندیشه سیاسی محصول تعامل عین و ذهن است.

در این قالب می‌توان از تأثیر ژئوپلیتیک بر اندیشه سیاسی شیعیان به عنوان اندیشه آنان درباره چگونگی سازمان دادن به زندگی سیاسی سخن گفت. اصولاً اندیشه سیاسی شیعیان نیز تحت تأثیر عوامل ذهنی و عینی قرار دارد؛ این اندیشه از یکسو متأثر از مبانی فلسفی، کلامی،

عرفانی و فقهی شیعیان همچون الگوی نظری امامت است؛ شیعیان به عنوان یک اصل اولیه، از الگوی امامت و نیابت به عنوان الگوی مطلوب یاد می‌کنند و هر الگوی غیر آن را نامشروع می‌دانند.

از سوی دیگر متأثر از عوامل عینی است و واقع‌گرایی مناسبی دارد. اندیشه سیاسی شیعیان در تعامل با شرایط جامعه و واقعیت‌های موجود از جمله شرایط ژئوپلیتیکی آنان، شکل می‌گیرد. در واقع تعامل بین مبانی نظری و واقعیت‌های عینی، موجب شکل‌دهی به الگوی رفتاری آنان در عرصه سیاسی می‌شود؛ در نتیجه آنان می‌کوشند از درون این تعامل الگوی رفتاری خود در رویارویی با شرایط جامعه را استخراج کنند.

ابزاری که این تعامل بین آرمان و واقعیت را تسهیل می‌کند، فقه شیعیان است. فقه شیعه که الگوی رفتاری شیعیان را ترسیم می‌کند، توانایی‌های خاصی دارد که مصلحت‌اندیشی، واقع‌گرایی و انعطاف‌پذیری این گروه را در مواجهه با شرایط جدید آسان‌تر می‌کند و بدان‌ها قدرت انطباق بیشتری می‌دهد.

اجتهاد، از ویژگی‌های فقه‌های اصولی است؛ این اصل، فقه‌های شیعی را برای رویارویی با مسائل مهم جدید جهان معاصر توانمند کرده است. اجتهاد نوعی توانایی علمی است که شخص می‌تواند احکام فرعی را از احکام اصلی شرع استنباط کند.

زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۱ / ۴۲۵)

این نگرش در اندیشه سیاسی شیعیان، توانمندی ایشان را در رویارویی با شرایط به‌شدت افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر اصولیان شیعی، احکام را به اولیه و ثانویه تقسیم می‌کنند که این امر نیز انعطاف‌پذیری آن‌ها را در رویارویی با مسائل مختلف افزایش می‌دهد. به اعتقاد اصولیان چنانچه شرایط و حالت‌های ویژه‌ای سبب شود مکلف نتواند به احکام واقعی اولی عمل کند،

شارع، حکم دیگری در آن باب مقرر می‌دارد که از آن به حکم واقعی ثانوی و از موضوعاتش نیز به عناوین ثانوی یاد می‌شود (مظفر، ۱۳۸۱: ۲۳۴).

بر پایه نظر این گروه، در شرایطی همچون عسر و حرج، اضطراب، ضرر و ضرار، عهد و پیمان، مقدمه واجب و حفظ نظام می‌توان از احکام ثانویه استفاده کرد که تعیین تحقق این شرایط به عقل واگذار شده است؛ این بحث زمینه لازم را برای اجرای انعطاف‌پذیر احکام - در حکومت اسلامی - فراهم می‌آورد؛ به واقع از همین‌روست که اندیشه سیاسی شیعیان در حوزه عمل سیاسی، قابلیت بالایی دارد.

بنابراین عوامل ژئوپلیتیک می‌توانند با ایجاد شرایط خاص، موضوع احکام شریعت و موضوع تکالیف مکلفان را تغییر دهند و در نتیجه حکم نیز تغییر کند. شیعیان نیز بر اساس حکم جدید و خاص متناسب با شرایط جغرافیایی خود عمل می‌کنند و رفتاری متفاوت با بقیه شیعیان در پیش می‌گیرند و از الگوهای متفاوت سیاسی پیروی می‌کنند.

در این چارچوب می‌توان از تأثیر ژئوپلیتیک در حوزه فقه سیاسی در اسلام نیز سخن گفت و تحولات اندیشه سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف را تبیین کرد؛ بدون توجه به این بحث نظری، تبیین دقیق دلایل حمایت شیعیان از الگوهای سیاسی متفاوت، با تناقض‌های زیادی مواجه خواهد شد؛ در ادامه به صورت موردی به این بحث می‌پردازیم.

الگوهای سیاسی مورد حمایت شیعیان در کشورهای مختلف

تشیع به عنوان یکی از شاخه‌های اسلام، به مرور زمان بخش مهمی از جهان اسلام را به خود اختصاص داده است. جمعیت شیعیان در سال ۲۰۰۹ میلادی حدود ۲۰۷ میلیون نفر از جمعیت ۱/۷۵ میلیاردی مسلمانان (۱۶٪ از کل مسلمانان) و ۶/۷۹ میلیاردی جهان را تشکیل می‌دهند (دانشنامه ویکی‌پدیا، آمار سال ۲۰۰۹). بیشتر شیعیان، در کشورهای واقع در منطقه غرب آسیا زندگی می‌کنند.

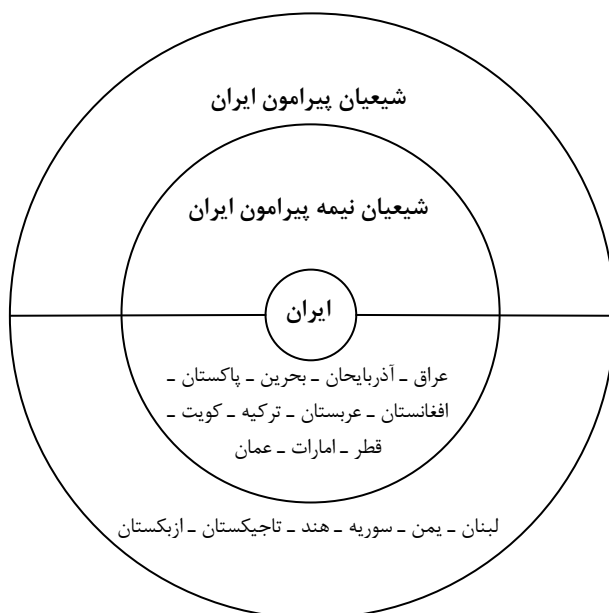
مرکز جغرافیای سیاسی شیعه در «قلب خاورمیانه» است؛ به تعبیر دقیق‌تر، اگر ترکیب فیزیکی و جغرافیایی خاورمیانه را ترسیم کنیم، شیعه در مغز و قلب آن حضور دارد (عزتی، ۱۳۸۰: ۳۱). «ژئوپلیتیک شیعه»، به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای

مختلف خاورمیانه بزرگ با مرکزیت ایران است (عزتی، ۱۳۸۶: ۳۱) که بخش‌هایی از لبنان، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را در برمی‌گیرد. این کمربند در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۵). در کرانه‌های خلیج فارس، جهان اسلام به دو نیمه تقسیم می‌شود: نیمه غربی که به سمت باختر تا اقیانوس اطلس گسترش یافته است و نیمه هند و ایرانی که از کوهستان‌های ایران شروع می‌شود و با گذر از پاکستان و بنگلادش تا اندونزی و فیلیپین پیش می‌رود (توال، ۱۳۸۲: ۱۹۸).

شیعیان در دهه‌های اخیر، اثرگذاری بیشتری در عرصه سیاسی دارند و از الگوهای سیاسی متفاوتی حمایت می‌کنند. در ادامه به بررسی ابعاد این تحولات می‌پردازیم:

۱. شیعیان در ایران و حمایت از الگوی سیاسی جمهوری اسلامی و ولایت فقیه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، برای نخستین بار قدرت شیعه در قالب الگوی «ولایت فقیه» در صدر حکومت قرار گرفت که در حقیقت، مهم‌ترین واقعه در طول تاریخ شیعه به حساب می‌آید (توال، ۱۳۸۲: ۵۶)؛ زیرا شیعیان در ایران با رهبری امام خمینی موفق شدند الگوی حداکثری مطلوب شیعه در دوران غیبت یعنی الگوی ولایت فقیه را برای اولین بار در تاریخ شیعه تحقق بخشند و با دفاع از حاکمیت فقیه منتخب مردم، الگوی نابی را در معرض دید شیعیان جهان قرار دهند.



شکل ۱. الگوی مرکز - پیرامون قلمروهای شیعی جهان (احمدی، ۱۳۸۶)

ژئوپلیتیک شیعه

در ابتدا قبل از ورود به بحث اصلی، لازم است واژه «ژئوپلیتیک» را تعریف کنیم. علم ژئوپلیتیک به بررسی نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست می‌پردازد؛ به عبارت دیگر ژئوپلیتیک به معنای تقابل قدرت با یک سرزمین و انسان‌هایی که در آن سکونت دارند، است. با توجه به تعاریف متعددی که از واژه ژئوپلیتیک مطرح شده، می‌توان ژئوپلیتیک را پرداختن به رابطه میان دولت‌ها و قدرت‌طلبی آن‌ها و تثبیت اقتدارشان در مناطق جغرافیایی تعریف کرد. بعد از اشاره کوتاهی که به مفهوم ژئوپلیتیک کردیم، اگر بخواهیم به واژه «ژئوپلیتیک شیعه» دست یابیم، باید به گذشته به‌ویژه به زمان جنگ سرد، بازگردیم؛ خانم فرحناز مایل افشار در این زمینه می‌نویسد:

در جنگ سرد، منطقه اوراسیا مرکز جهان یا به عبارتی هارتلند به شمار می‌آمد؛ در آن زمان انتقال انرژی و دسترسی به آن و مفاهیمی از این قبیل، رئوس اصلی ژئوپلیتیک به حساب می‌آمد؛ اما بعد از ارائه «تز برخورد تمدن‌ها» از سوی هانتینگتون، شاهد سیاسی شدن هویت‌های

فرهنگی، قومی، مذهبی و... بودیم که ژئوپلیتیک شیعه در این چارچوب فکری و راهبردی قرار گرفت.

ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف غرب آسیا با هارتلند ایران است. اهمیت ایران تا آنجاست که گراهام فولر، ایران را «قبله عالم» و پرفسور روح الله زمانی، ایران را «دو راهی حساس» می‌نامد. مارتین کرامر، محقق اسلام‌ستیز آمریکایی، در کتاب «تشیع، مقاومت و انقلاب»، به طور ضمنی در خصوص اهمیت عنصر ژئوپلیتیک شیعه می‌نویسد:

در دوران معاصر، تشیع برخی از قوی‌ترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است. جنبش‌های شیعی امروزه راهبردهای سیاسی فوق‌العاده اصیلی ابداع کرده‌اند که غالباً موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده است؛ این شیوه‌ها در ایران از عظیم‌ترین موفقیت‌ها برخوردار بوده‌اند و الهام‌بخش سایر شیعیان در دنیای عرب و جنوب آسیا نیز شده‌اند. کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، راهبردی و تاریخی اسلام را در برمی‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند؛ این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد.

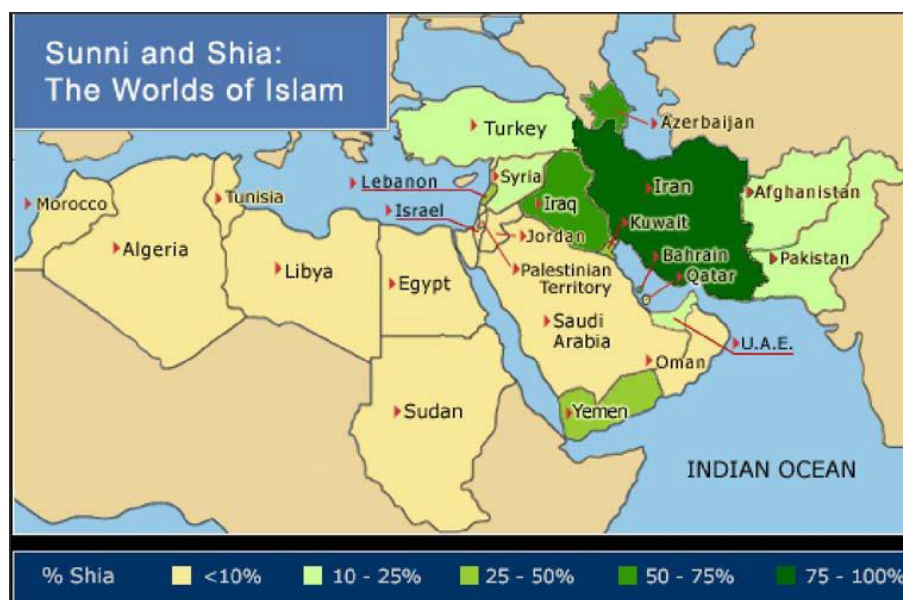
بی‌تردید موقعیت حساس ژئوپلیتیک جهان اسلام و جمعیت بیش از یک میلیارد نفری مسلمانان در جهان - که طبق پیش‌بینی‌های به عمل آمده، جمعیت آنان در ۲۰ سال آینده به حدود دو میلیارد نفر هم خواهد رسید؛ صاحب‌نظران و سیاست‌مداران غربی را وادار ساخته است تا در حوزه «ژئوپلیتیک اسلام و تشیع» به پژوهش بپردازند.

فرانسوا توال، از صاحب‌نظران غربی، می‌نویسد: از میان یک میلیارد معتقد به رسالت حضرت محمد(ص)، حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد شیعه هستند؛ یعنی جمعیت شیعی در جهان به حدود ۱۴۰ میلیون نفر می‌رسد (در زمان ارائه این نظریه توسط توال). درگیری‌های اخیر همچون انقلاب اسلامی در ایران و جنگ داخلی لبنان، مسئله شیعه را به عنوان یک عامل ژئوپلیتیک مطرح کرده است؛ به نظر وی مطالعه «مذهب شیعه» برای تجزیه و تحلیل عوامل مهم ژئوپلیتیک جهان معاصر باید مورد توجه قرار بگیرد.

پس از این بحث مقدماتی که به نظر ضروری می‌رسید، وارد بحث اصلی خود در این قسمت می‌شویم.

علل حساسیت غرب نسبت به ژئوپلیتیک شیعه

با توجه به آنچه ذکر شد، حساسیت ژئوپلیتیک شیعه برای غرب در دو محور فرهنگی - ایدئولوژیکی و امنیتی - راهبردی قابل بررسی است.



نقشه ۱. نمایی از توزیع جغرافیایی شیعیان (Source: <http://www.pbs.org>)

محور فرهنگی - ایدئولوژیکی

به نظر می‌رسد یکی از علل حساسیت غرب به ژئوپلیتیک شیعه، به آموزه‌های ایدئولوژیکی - فرهنگی اسلام برمی‌گردد.

فوازی جرجیس در کتاب «آمریکا و اسلام سیاسی»، می‌نویسد: گرچه تهدید نظامی نسبت به غرب از سوی جهان اسلام از پایان قرن هفدهم متوقف شده بود، چالش مذهبی و فکری اسلام همچنان بر تصور بسیاری از مردم غرب سایه افکنده است؛ همچنین عنوان می‌دارد:

بیشتر آمریکایی‌ها از فرهنگ اسلامی تلقی خصمانه دارند و آن را تهدیدی نسبت به منافع و ارزش‌های فرهنگی‌شان می‌دانند.

اظهارات عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران غربی نیز نشان می‌دهد که تهدید غرب از سوی جهان اسلام، بیشتر تهدید ایدئولوژیکی بوده است تا تهدید نظامی. در این چارچوب، تقابل گرایان، تهدید کمونیسم و تهدید اسلام را مشابه یکدیگر ترسیم می‌کنند:

همانند کمونیسم، احیاگری اسلامی نه فقط یک ایدئولوژی رسمی دعوت‌کننده به دین است، بلکه تجدیدنظرطلب نیز هست؛ از منظر این گروه، اسلام به عنوان یک تهدید راهبردی عمده در دوره پس از جنگ سرد، جانشین کمونیسم شده است.

دانیل پاییز بر این نکته تأکید می‌کند که چالش بنیادگرایی اسلامی نسبت به غرب، ژرف‌تر از چالش کمونیسم است؛ وی می‌گوید: کمونیست‌ها صرفاً با سیاست‌های ما مخالف بودند؛ نه با کل جهان‌بینی، شیوه لباس پوشیدن، شیوه عبادت و شیوه همسرگزینی ما؛ از نظر وی اسلام ذاتاً با غرب مخالف است:

آمریکایی‌ها به اسلام به عنوان یک دشمن می‌نگرند و همانند کمونیسم دوران جنگ سرد، اسلام را تهدیدی علیه غرب می‌دانند.

در چنین فضایی آموزه‌های ایدئولوژیکی تشیع از حساسیت بیشتری برای غرب برخوردار است؛ چون تشیع با اعتقاد به غاصبانه بودن حاکمیت غیرمعصوم، هرگونه تسلط غیرمسلمان بر مسلمان را جایز نمی‌داند؛ این باور، اساس استعمار را به چالش می‌کشد؛ در این میان، غرب از آموزه‌های تشیع ایرانی بیشتر احساس خطر کرده؛ به طوری که آمریکا اعلام نموده که هراسش از ایدئولوژی اسلام انقلابی ایرانی است و زبان انقلابی ایران خطرناک است؛ چون فهم رایج از نقش آرام و خاموش مذهب در سیاست را هدف قرار می‌دهد:

انقلاب اسلامی، دین را به صورت یک مدعی جدی در برابر مادیت حاکم بر غرب مطرح کرد. بی‌شبهه پس از فروپاشی مارکسیسم، بیشتر ادیان بومی در بیشتر نقاط جهان فعال شده‌اند و در این میان، اسلام به لحاظ داشتن پیشینه و عناصر نیرومند در خود و نیز موقعیت ممتاز جغرافیایی، بیش از هر آیین دیگر زنده شد؛ این زنده شدن به نوعی مبارزه‌طلبی بر ضد اندیشه

غربی جلوه‌گر شده و در این راه تا آنجا پیش رفت که به عنوان آلترناتیو مارکسیسم برای غرب درآمد.

اسپوزیتو^۱ می‌نویسد: ایران، نخستین انقلاب سیاسی اسلامی موفق را به جهان عرضه کرد؛ انقلابی که به نام اسلام و با شعار «الله‌اکبر» بر مبنای ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیر روحانیت اسلام‌گرا استوار بود و مسلمانان سراسر جهان از ثمره آن که همانا اوج گرفتن مفهوم هویت اسلام، بازگشت غرور و اقتدار مسلمانان در جهان که تحت سیطره ابرقدرت‌هاست، محفوظ شدند؛ علاوه بر این، آیت‌الله خمینی تجربه ایران را راهنمایی برای تغییر سیاسی و ایدئولوژیک امت جهان اسلام می‌دانست؛ برنامه او متحد کردن تمام مسلمانان در نبردی سیاسی و فرهنگی علیه شرق و غرب بود؛ با پیروزی در این نبرد، ایران آماده بود تا اصول خود را در کشور خویش و جهان خارج از آن تبلیغ کند.

عده‌ای از صاحب‌نظران غربی معتقد هستند حساسیت آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه زمانی بیشتر خواهد شد که موقعیت‌های ژئوپلیتیکی شیعه در نظر گرفته شود؛ چون بسیاری از شیعیان در مناطق نفت‌خیز مستقر هستند؛ مناطقی که به لحاظ ژئوپلیتیکی و راهبردی بسیار حساس هستند و این امر منافع غرب را به خطر می‌اندازد.

بدین منظور فرانسوا توال^۲ به این نکته اشاره می‌کند که تشیع، به‌ویژه تشیع ایران کنونی، ادعای سخنگویی محرومان جهان سوم و امید تازه نفرین‌شدگان زمین را دارد؛ به همین علت شیعه، جهان غرب و ارزش‌هایش را رد می‌کند. از دید شیعه، ارزش‌های غربی تنها مصنوعات هستند که در جهت فریب توده‌های فقیر در نظر گرفته شده‌اند. تشیع، کاپیتالیسم و کمونیسم را یکسان رد می‌کند. انفجار تشیع تنها به مواضع ژئوپلیتیکی‌اش در غرب آسیا بر نمی‌گردد، بلکه در محتوا و پیام سیاسی آن نهفته است؛ تلقی این اراده انقلابی و امید به سخنگویی فقیران جهان، به عنوان یک ویژگی سطحی، اشتباه است؛ این اراده می‌تواند زمانی دارای قدرتی انفجار آمیز و سهمگین باشد؛ به نظر وی تشیع با طرح و نقشه اعتقادی و ایدئولوژیکی خود، می‌تواند به صورت اهرم نیرومندی جهت برهم زدن ثبات منطقه و جهان ظاهر شود. تشیع هرچند از

1. Esposito
2. Fransw. Toual

نظر جغرافیایی در یک منطقه پراکنده و محدود قرار گرفته، مبارزه‌ای را دنبال می‌کند که ادعای جهانی دارد. صلح در جهان به طور اساسی به اداره این نیروی جدید بین‌المللی بستگی دارد؛ به این ترتیب، آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه در انقلاب اسلامی ایران و تحقق حاکمیت تشیع در ایران، افق تازه‌ای به روی شیعیان جهان گشود و شیعیان عزت خویش را دوباره یافتند و به عنصری تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شدند.

نهضت حزب الله لبنان، تجلی عینی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی بود که نخستین پیروزی مسلمانان و اعراب را در برابر رژیم صهیونیستی محقق ساخت و بدین ترتیب راه پیروزی را به همه مسلمانان نمایاند و نشان داد که تعالیم روح‌بخش تشیع علوی می‌تواند همیشه راه گشا باشد؛ پس از این پیروزی، شیعیان دیگر نقاط جهان نیز در معادله جهانی حضور یافتند؛ حضور مؤثری که توجه بلوک‌های سلطه جهانی را به خود معطوف داشت، به‌گونه‌ای که جایگاه ویژه‌ای در عرصه مناسبات بین‌المللی برای آنان در نظر گرفته شد؛ قدرت‌های بزرگ، این تحرک‌ها را اعلان جنگ ایدئولوژیکی قلمداد کردند. رویکردهای مذهبی مکتب تشیع بیش از هر فرقه دیگری، ایدئولوژی غرب را به چالش کشید.

محور راهبردی - امنیتی

واقعیت‌های موجود حاکی از آن است که شیعیان به دلایل گوناگون از جمله حضور در مراکز مهم راهبردی منطقه، مثل میدان‌های نفتی و مراکز تجاری بالقوه جایگاه ویژه‌ای را در معادلات منطقه‌ای به خود اختصاص داده‌اند؛ به همین دلیل اگر شرایط تحقق این پتانسیل فراهم گردد، مؤلفه‌های مثبت جغرافیایی، ظرفیت‌های فراوانی برای ایفای نقش گسترده برای آن‌ها فراهم می‌آورد؛ به این ترتیب آگاهی از این واقعیت‌ها توجه قدرت‌های بزرگ صنعتی را به این اقلیت مذهبی جلب نموده است.

در واقع صرف‌نظر از تعارض آموزه‌های شیعه با مدرنیته غرب، موقعیت جغرافیایی آن‌ها نیز در تضاد با منافع جهان صنعتی بوده و بیش از پیش حساسیت این کشورها را برانگیخته است. غربی‌ها منافع خود را در منطقه در گرو مهار نیروی ژئوپلیتیک شیعه می‌دانند. مارتین کرامر در خصوص تفاوت موقعیت شیعیان ایران با شیعیان دیگر کشورها می‌نویسد:

ایران تنها کشوری است که شیعیان اکثریت غالب جمعیت آن را تشکیل می‌دهند؛ در دو یا سه کشور دیگر نیز تعداد شیعیان زیاد است و در سایر نقاط جهان اسلام شیعیان یا در اقلیت هستند و یا اصولاً وجود ندارند.

غرب به این نکته هم توجه دارد که شیعیان عرب که توسط دولت‌های سنی در فقر و محرومیت نگه داشته شده‌اند، به وضعیت خود معترض هستند و هر گونه تغییر در شرایط سیاسی کشورهای این حوزه، زمینه حاکمیت کامل یا نسبی شیعیان را فراهم خواهد کرد. از طرفی جمعیت شیعه جهان عرب به لحاظ راهبردی، در قلب بزرگ‌ترین منطقه نفت خیز غرب آسیا و در عرض شاهراه‌های نفتی خلیج فارس قرار دارند؛ با توجه به این موضوع، فولر در کتاب شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده می‌نویسد:

از بُعد نظری، شیعیان عرب به کمک ایران می‌توانند بیشتر منافع نفتی خلیج را تحت کنترل کامل خود درآورند.

جدول ۱. جمعیت شیعیان غرب آسیا

کشور	عضویت در اپک	جمعیت (میلیون نفر)	درصد شیعه	جمعیت شیعه (میلیون نفر)
افغانستان		۳۳	۱۹	۶۳
آذربایجان		۸	۹۰	۷/۲
بحرین		۰/۷	۶۱	۰/۴
ایران	✓	۶۶	۹۰	۵۹/۴
عراق	✓	۲۸	۶۰	۱۶/۸
کویت	✓	۲/۶	۳۵	۰/۹
لبنان		۴	۴۰	۱/۶
عمان		۳/۴	۲	۰/۱
قطر	✓	۰/۸	۲۰	۰/۲
عربستان سعودی	✓	۲۸	۱۰	۲/۸
سوریه		۲۰	۲۵	۵
یمن	✓	۴/۶	۱۶	۰/۷
جمع		۲۲۲/۱		۱۰۴/۹

آگاهی از این مسئله باعث شده که آمریکا در خصوص عراق تدابیر خاصی اتخاذ کند؛ چون شیعیان عراق از برتری نسبی در دولت برخوردار شده‌اند و همین امر باعث ادامه حضور آمریکا در عراق حتی پس از پایان جنگ شده است؛ این حضور در چارچوب حساسیت غرب نسبت به ژئوپلیتیک شیعه، قابل تحلیل است.

ژئوپلیتیک شیعه در ابعاد بین‌المللی

نظام بین‌المللی و فضای سیاسی بین‌المللی، موانع جدی برای هرگونه تحول در بحرین به نفع شیعیان محسوب می‌شود و رژیم آل‌خلیفه به دلیل ارتباطات راهبردی با غرب، موفق به سرکوب شیعیان شده است؛ اما در عین حال این شرایط بین‌المللی در کشورهایی همچون عراق و افغانستان، به دلیل تخاصم رژیم‌های مذکور با غرب، به نفع شیعیان عمل کرده است؛ به طوری که فضای سیاسی بین‌المللی و توان نظامی آمریکا در سرنگونی رژیم صدام‌حسین و استقرار این نیروها در عراق، یکی از عوامل به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور بوده است. همچنین سقوط طالبان در افغانستان در ارتقای جایگاه سیاسی شیعیان مؤثر بوده است؛ هرچند آمریکا در بسترسازی پیروزی شیعیان در منطقه نقش مهمی دارد؛ اما نمی‌توان گفت این امر وضعیت مطلوبی برای آمریکاست؛ زیرا ایدئولوژی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی گروه‌های شیعی همواره تهدیدی بالقوه برای منافع آمریکا در منطقه محسوب شده است. آمریکا تلاش می‌کند تا با تضعیف نیروهای رادیکال و تقویت نیروهای میانه‌رو و سکولار شیعی، این بحران را مدیریت کند که درک این شرایط نیز در نوع الگوی سیاسی مورد حمایت شیعیان بسیار با اهمیت است.

نتیجه‌گیری

جمعیت شیعیان در کشورهای مختلف، از نظر محیط سیاسی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، وضعیت متفاوتی دارند؛ این امر به نگاه متفاوت شیعیان بر الگوی حکومت مورد حمایت آنان منجر شده است که در این مقاله، به صورت مبسوط به آن پرداخته شد. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث را به صورت خلاصه در این جدول می‌توان نشان داد:

کشور	وضعیت داخلی		وضعیت منطقه‌ای		برخورد نظام بین‌المللی با شیعیان
	شیعیان	معارضان	فشارها	حساسیت‌ها	
ایران	اکثریت مطلق	ضعیف	محدود	متوسط	فشار همه‌جانبه
بحرین	اکثریت مطلق	ضعیف	زیاد	بسیار بالا	حمایت از حکومت و ممانعت از قدرت‌یافتن شیعیان
عراق	اکثریت نسبی	قدرتمند	زیاد	بالا	اشغال کشور و حمایت از حکومت
لبنان	یک‌سوم جمعیت	قدرتمند	زیاد	بالا	ممانعت از قدرت‌یافتن شیعیان
افغانستان	یک‌چهارم جمعیت	قدرتمند	محدود	متوسط	اشغال کشور و حمایت از حکومت

گفتنی است که این الگوهای متفاوت، هرچند به نظر، نوعی عدول از الگوی مطلوب شیعه است؛ اما با توجه به پتانسیل‌های موجود در فقه شیعه همچون اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن و اعتقاد به انعطاف‌پذیری احکام در قالب احکام اولیه و ثانویه، این شرایط جدید می‌تواند مورد حمایت مبانی نظری شیعه قرار گیرد. شیعیان با استفاده از اصولی همچون مصلحت، قاعده ارجحیت اهم نسبت به مهم و... می‌توانند ضمن حفظ اصول خود، از راهبردهای مختلفی در عرصه سیاسی پیروی کنند. در واقع ژئوپلیتیک، به عنوان یک عامل مهم اثرگذار بر موضوعات احکام شرعی، می‌تواند الگوی سیاسی و عمل سیاسی شیعیان را تحت تأثیر قرار دهد؛ این اثرگذاری توسط مبانی فقهی شیعی به رسمیت شناخته شده است؛ از این رو به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران با توجه به ضعف ژئوپلیتیکی شیعیان در کشورهای منطقه نیازمند یک همگرایی با محوریت سایر مشترکات فی‌مابین از جمله مسائل فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی است؛ تا بتواند با پوشش این ضعف در بلندمدت در سایه سایر عوامل به ارتقاء جایگاه شیعیان در کشورهای منطقه کمک نماید تا بتواند در آینده از جایگاه ژئوپلیتیکی تقویت شده آن‌ها در منطقه بهره‌مند گردد.

منابع

فارسی

۱. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، صحیفه امام، ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. اتوتایل، ژیرو وید و دیگران (۱۳۸۰)، اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳. احمدی، سید عباس (۱۳۸۶)، اهمیت ژئوپلیتیک تشیع و موقعیت مرکزی ایران، نشریه جام هفته، سال نهم، شماره ۳۸۱.
۴. احمدی، محمدمین (۱۳۸۳)، قانون اساسی جدید افغانستان و جایگاه شیعیان در آن، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، قم، سال دوم، شماره ۵.
۵. بختیاری، محمدعزیز (۱۳۸۵)، شیعیان افغانستان، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
۶. برنا بداجی، سیروس (۱۳۸۵)، هلال شیعی و ژئوپلیتیک خاورمیانه، هفته‌نامه پگاه حوزه، قم، شماره ۱۹۲.
۷. نوال، فرانسوا (۱۳۸۲)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتابیون باصر، تهران: انتشارات ویستار.
۸. چمران، مصطفی (۱۳۷۶)، لبنان، تهران: انتشارات بنیاد شهید چمران.
۹. حق‌جو، میرآقا (۱۳۸۰)، افغانستان و مداخلات خارجی، قم: انتشارات مجلسی.
۱۰. صافی، قاسم (۱۳۶۶)، سفرنامه پاکستان، تهران: انتشارات کلمه.
۱۱. عارفی، محمداکرم (۱۳۸۵)، شیعیان پاکستان، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
۱۲. عارفی، محمداکرم (۱۳۸۲)، شیعیان پاکستان، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، قم، سال اول، شماره ۳ و ۴.
۱۳. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویکم، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۱)، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۵. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۶)، جغرافیای جهان اسلام، قم: نشر اسوه.
۱۶. فرهنگ، سید محمدحسین (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۷. فولر، گراهام ای و فرانکه، رند رحیم (۱۳۸۴)، شیعیان عرب، مسلمانان فراموش‌شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.

۱۸. قاسم، شیخ نعیم (۱۳۸۳)، حزب الله لبنان (خط‌مشی، گذشته، آینده)، ترجمه محمد مهدی شریعتمداری، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۹. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵)، طرح ژئوپلیتیک شیعه، توطئه‌ای بر محور جنایات صهیونیسم در خاورمیانه، روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۵ / ۵ / ۸.
۲۰. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، دموکراسی و هویت ایرانی، تهران: انتشارات کویر.
۲۱. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۱)، اصول الفقه، قم: دارالتفسیر.
۲۲. نقیسی، عبدالله (۱۳۶۴)، نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ترجمه کاظم چایچیان، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۳. ویلی، جویس ان (۱۳۷۳)، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه مهوش غلامی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۲۴.
۲۴. <http://www.binbaz.org> منبع: فصلنامه مطالعات انقلاب - شماره ۳۰.

انگلیسی

1. Muir, Richard, 1997, political geography, A New Introduction, Macmillan Press
2. Taylor, Peter, 1994, political geography, England, longman scientific Technical.
3. Scruton, Roger, 2007, The Pal grave Macmillan Dictionary of Political Thought, Newyork, palgrave macmillan.
4. www.shiaonline.net/1388-08-08-16-27-06&catid=11:1388-06-09-22-19-23&Itemid=94.
5. <http://fa.wikipedia.org>